

## نقد و بررسی شش دیدگاه درباره شرایط انتاج قیاس استثنائی در منطق سینوی (با تأکید بر شرطی متصل)<sup>۱</sup>

سید محمد علی حجتی<sup>۲</sup>

لطف الله نبوی<sup>۳</sup>

علیرضا دارابی<sup>۴</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی و داوری نظرات منطق‌دانان سینوی درباره شرایط انتاج قیاس استثنائی (با تأکید بر شرطی متصل) اختصاص دارد. پس از بررسی متون متعدد منطق سینوی، مجموعه نظرات در شش دسته تقسیم‌بندی شده است. در دسته اول، شرطی در قیاس استثنائی به صورت مهمله استفاده می‌شود که با مبانی منطق سینوی در شرطیات هماهنگ نیست. با کنار گذاشتن این نظر درمی‌یابیم همه منطق‌دانان سینوی درباره ضرورت لزومی بودن شرطی در قیاس استثنائی و امکان انتاج این قیاس با مقدمه شرطی موجه کلیه، ائتراج نظر دارند. اما درباره امکان انتاج قیاس استثنائی با مقدمه شرطی سالبه، شرطی جزئیه و حذف شرطی تشخیصیه اختلافات نظر وجود دارد. سرانجام با تحلیل منطقی و بر پایه شواهد مبتنی بر زبان طبیعی به داوری این اختلافات پرداخته‌ایم. بر این اساس نتایج زیر بدست آمده است.

۱- شرطی در قیاس استثنائی باید کلی و لزومی باشد؛ ۲- انتاج قیاس استثنائی از شرطی سالبه بر پایه بحث اختلاف میان سلب لزوم و لزوم سلب می‌باشد و تعیین موضع درباره آن منوط به تعیین موضع درباره تفسیر شرطی سالبه است؛ ۳- قیاس استثنائی با مقدمه شرطی تشخیصیه، در صورت یکی بودن زمان یا حالت صدق شرطی و استثناء منتج خواهد بود.

### کلمات کلیدی

قیاس استثنائی، شرطی لزومی، کلیت زمانی - حالتی، قضیه سالبه، قضیه تشخیصیه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۹

۲- دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسؤول)

۳- دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس

۴- دکتری فلسفه و مدرس دانشگاه

## طرح مسأله

قیاس‌های دارای مقدمه شرطی، مجموعه‌ای بسیار گسترده را تشکیل می‌دهند که به تصریح ابن سینا بخش قابل توجهی از آن‌ها توسط خود او کشف و تدوین شده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳). بخشی از این قیاس‌ها نیز سابقه‌ای طولانی دارند. اولین و مشخص‌ترین این قیاس‌ها، قیاس‌های استثنایی هستند. وضع مقدم و رفع تالی معروف‌ترین قیاس‌هایی هستند که در شرطیات مورد اشاره قرار می‌گیرند. با آن‌که این دو قیاس، کاربردی گسترده و عام دارند و مناسب‌ترین قالب را برای بررسی استدلال‌های معمول در فلسفه و زبان طبیعی به ما ارائه می‌دهند اما در مورد شرایط حاکم بر این قیاس‌ها میان منطق‌دانان مسلمان توافقی وجود ندارد. با تغییر شرایط لازم برای انتاج قیاس استثنایی، محدوده قیاس‌های منتج نیز تغییر می‌کند؛ از این رو بررسی و داوری میان این رویکردها در کاربرد قیاس استثنایی تأثیری اساسی دارد. از سویی اغلب اختلافات موجود درباره شرایط قیاس استثنایی در متون معاصر نیز بازتاب یافته است و برای اکثر این نظرات می‌توان به نمونه یا نمونه‌هایی در دوران اخیر اشاره نمود که این مطلب بر اهمیت توجه و بحث درباره شرایط انتاج قیاس استثنایی می‌افزاید. بازخوانی و بررسی این رویکردها و تلاش برای داوری و قضاوت بر پایه آراء موجود در منطق سینوی هدفی است که نویسندگان در این مقاله دنبال می‌کنند.

## دیدگاه‌های مختلف در بحث شرایط انتاج قیاس استثنایی

شرایط انتاج قیاس استثنایی در منطق سینوی به شیوه‌های متفاوتی معرفی شده است. ابتدا لازم است این شرایط کاملاً معرفی شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- ذکر دو نکته در این‌جا لازم است. اول: چون میان قیاس انفصالی و انصالی تلازمی کامل برقرار است، با محدود کردن بررسی‌ها به قیاس انفصالی نیز می‌توان به نگرشی همه‌جانبه و کامل در باب قیاس‌های استثنایی دست یافت. از این رو در تحلیل حاضر بررسی به قیاس‌های انفصالی محدود شده است؛ چرا که با بدست آوردن شرایط مناسب برای قیاس انفصالی، این شرایط به سادگی قابل تعمیم به قیاس انفصالی می‌باشد. دوم: منطق‌دانان سینوی، در بحث از قیاس استثنایی، بعد از بررسی شرایط انتاج این قیاس، دو قاعده وضع مقدم و رفع تالی را معرفی می‌کنند. بعضی از منطق‌دانان سینوی قاعده رفع تالی را مورد تشکیک قرار داده‌اند، که پاسخ‌هایی توسط دیگر منطق‌دانان به آن‌ها داده شده است. در دوران معاصر، همه منطق‌دانان هر دو قاعده را در کنار هم پذیرفته‌اند. در مقاله حاضر بر بحث شرایط انتاج قیاس استثنایی متمرکز هستیم و بررسی نزاع بر سر قاعده رفع تالی مورد بحث نیست.

## نظریه اول - لزومی بودن شرطی

پیش از ابن سینا در همه کتب منطقی نزد مسلمانان، گزاره‌های شرطی‌ها، بدون توجه به سور آنها مورد بحث قرار گرفته است<sup>۱</sup>، ابن سینا این رویکرد را تغییر می‌دهد. به گمان وی شرطی، تنها زمانی کامل است که دارای سور باشد (ابن سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۳۹۰). با این همه و علی‌رغم آن که او سور را بخش کاملاً جدایی‌ناپذیری از قیاس‌های شرطی اقتزانی می‌داند اما در قیاس استثنائی رویه معمول نزد پیشینیان را رها نمی‌کند. نحوه بیان ابن سینا از قیاس‌های استثنائی در *شفاء*، مبتنی بر شرطی بدون سور و همراه با مثال‌هایی است که در سنت ابداعی او، شرطی‌های مهمله نامیده می‌شوند. تنها شرط انتاجی که در قیاس‌های استثنائی مرتبط با شرطی متصل مورد تأکید او است، لزومی بودن شرطی است (همان‌جا).

او حتی در آخرین تألیف مهمش *الاشارات و التنبيهات* همچنان بدون سور و به صورت مهمله به بیان قیاس‌های استثنائی می‌پردازد و شرایط سور را در میان شرایط انتاج این قیاس‌ها وارد نمی‌کند (همو، ۱۳۹۲، ص ۵۹۰-۵۹۱).

به نظر می‌رسد تا پیش از فخرالدین رازی، عدم توجه به مسائلی که سور در قیاس استثنائی به وجود می‌آورد معمول بوده است. تا آنجا که حتی شاگرد ابن سینا، بهمنیار بن مرزبان نیز در معرفی شرایط انتاج قیاس استثنائی از شرطی مسور استفاده نمی‌کند (بهمنیار، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸). حدود یک قرن بعد نیز، زین‌الدین عمر بن سهلان ساوی بدون اشاره به سور در شرطیات، درباره قیاس استثنائی سخن می‌گوید (ابن سهلان ساوی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹). در بعضی از کتاب‌های متأخرتر نیز همین شیوه برای معرفی قیاس استثنائی استفاده شده است. البته در این کتاب‌ها مباحث منطقی به اختصار ارائه شده‌اند. برای نمونه می‌توان از کتاب *اللتالی المنتظمه* از ملاحادی سبزواری، *تهذیب المنطق* تفتازانی و شرح عبدالرزاق لاهیجی بر آن و *اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه* از ملاصدرا نام برد (سبزواری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶؛ تفتازانی، ۱۳۹۲، ص ۵۵ و ۱۶۶؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۳۰). چنین رویکردی در میان معاصرین نیز وجود دارد (خوانساری، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵).

به این ترتیب در این رویکرد تنها شرط ویژه برای قیاس‌های استثنائی متصل، لزومی بودن مقدمه شرطی است.

۱- برای نمونه بنگرید به: فارابی، ۱۴۰۸ هـ ص ۱۶۶؛ اخوان الصفا، ۱۴۱۲ هـ ص ۴۱۵

## نظریه دوم - لزومی و کلی بودن شرطی

بر اساس این رویکرد تنها شرایط لازم برای انتاج قیاس استثنایی، لزومی و کلی بودن مقدمه شرطی است. بنابراین می‌توان از هر مقدمه کلیه لزومی (موجبه یا سالبه) در قیاس استثنایی بهره برد. طرح این مسأله بر قاعده‌ای مبتنی است که مطابق آن میان هر دو گزاره سالبه و موجب که مقدمی یکسان دارند اما تالی آنها نقیض یکدیگر است، تلازم برقرار است<sup>۱</sup>. به این ترتیب هر گزاره سالبه کلیه می‌تواند به گزاره موجب کلیه‌ای تبدیل شود. طرح این قاعده در شرطی‌ها با ابن‌سینا آغاز می‌شود. او در کتاب *شفاء* پس از دسته بندی انواع موجب و سالبه براساس قرارگیری مقدم و تالی در هر یک از تقسیمات محصوره به این مطلب تصریح می‌کند.

میان هر یک از انواع شانزده گانه سالبه کلیه و یکی از انواع شانزده گانه موجب کلیه ملازمه‌ای برقرار است و برخی از آنها به برخی دیگر تبدیل می‌شوند. شیوه تبدیل آن است که قیمت قضیه به شکل خود باقی بماند و کیفیت تغییر کند و مقدم حفظ شود و به دنبال آن نقیض تالی قرار بگیرد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴هـ ص ۳۶۶).

از این پس عنوان «نقض تالی» را برای این قاعده به کار خواهیم برد.

اگرچه ابن‌سینا در شرطی‌ها چنین قاعده‌ای را می‌پذیرد اما همچنان که اشاره شد اثری از این مطلب در بحث شرایط انتاج قیاس استثنایی وجود ندارد. تلاش برای تحلیل شرایط انتاج قیاس استثنایی مبتنی بر سور شرطی، ابتدا در کتاب *الملخص اثر فخر الدین رازی* دیده می‌شود (رازی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۳-۳۲۶). اما بیان منقح و تکمیل شده نظر فخر را می‌توان در آرای *خواجه نصیرالدین طوسی* می‌توان دید: «اما در متصلات - چون از متصله لزومی کلی قیاس استثنایی بیاید - و لزومی کلی یا موجب بود یا سالبه - اگر موجب بود باستثناء عین مقدم عین تالی نتیجه دهد - و باستثناء نقیض تالی نقیض مقدم نتیجه دهد... و چون متصله لزومی سالبه بود- باستثناء عین هر جزوی نقیض دیگر جزو نتیجه دهد ... و اما آنک متصلات جزوی یا اتفاقی کلی منتج نیست ظاهر است» (طوسی، ۱۳۶۱، ص ۱۸۹).

*خواجه طوسی* در *منطق تجرید* نیز به این مطلب اشاره می‌کند، گرچه شاگرد و شارح او علامه حلی در این باب با او همدل نیست و قاعده رفع تالی را نمی‌پذیرد (حلی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸-۹). از میان معاصران حسن ملکشاهی و احد فرامرز قراملکی قیاس استثنایی را به صورت ذکر شده

۱- منطق دانان معاصر این قاعده را بر مبنای منطق محمولات و تحت عنوان «نقض المحمول» معرفی نموده‌اند (مظفر، ۱۴۳۳هـ ص ۲۴۶)

معرفی می‌کنند (ملکشاهی، ۱۳۶۷ الف، ص ۵۰۷؛ فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

### نظریه سوم - موجبه، لزومی و کلی بودن شرطی

بیان دیگری از شرایط انتاج قیاس استثنائی به این ترتیب است که شرطی باید موجبه، لزومی و کلی باشد. تفاوت این رویکرد با رویکرد قبلی در انکار قاعده نقض تالی است. با انکار این قاعده دیگر نمی‌توان از تلازم میان شرطی لزومی موجبه و سالبه سخن گفت. به این ترتیب در قیاس استثنائی، مقدم شرطی سالبه قابل تبدیل به شرطی موجبه نخواهد بود، از این رو در این رویکرد در شرایط انتاج قیاس استثنائی بر موجبه بودن شرطی لزومی تأکید می‌شود.

قطب‌الدین رازی در شرح *مطالع الانوار* بر این مطلب صحه می‌گذارد و شرایط انتاج قیاس استثنائی را به صورت زیر معرفی می‌کند:

«و در انتاج آن، سه مورد شرط می‌شود اول - کلیه بودن شرطی استفاده شده ...؛ دوم - لزومی بودن شرطی ...؛ سوم - موجبه بودن شرطی ...» (رازی، بی‌تا، ص ۳۲۹). از میان معاصران عسکری سلیمانی امیری در کتاب *معیار دانش شرایط قیاس استثنائی* را به ترتیب بالا مناسب‌تر دیده است (سلیمانی امیری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳).<sup>۱</sup>

### نظریه چهارم - لزوم و ایجاب قضیه شرطی، کلیت یکی از دو مقدمه

بر اساس این رویکرد، قیاس استثنائی، زمانی منتج است که مقدمه شرطی، لزومی و موجبه باشد و حداقل یکی از دو مقدمه کلی باشند. نجم‌الدین علی کاتبی قزوینی در *رساله الشمسیه* شرایط قیاس استثنائی را بر این اساس بنیان می‌نهد. او درباره قیاس استثنائی می‌گوید:

«و [قیاس استثنائی] از دو مقدمه تشکیل شده است: یکی از آن‌ها شرطی و دیگری برقراری یا عدم برقراری یکی از اجزاء [شرطی] است که برقراری یا عدم برقراری جزء دیگر را لازم می‌کند. لازم است مقدمه شرطی، موجبه باشد و در صورت متصله بودن، لزومیه و در صورت منفصله بودن، عنادیه باشد. همچنین کلیه بودن آن یا کلیه بودن برقراری یا عدم برقراری [استثناء] لازم است» (رازی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۶). در میان معاصران، مشکوه‌الدینی (مشکوه‌الدینی، ۱۳۶۰، ص ۵۳۴-۵۳۵) و همچنین شهابی (شهابی، ۱۳۵۳۴، ص ۳۲۴-۳۲۵) چنین نظری دارند.

۱- عسکری سلیمانی در ادامه به نظر خواجه طوسی در تبدیل سالبه به موجبه با استفاده از قاعده رفع تالی اشاره می‌کند (سلیمانی امیری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۴).

## نظریه پنجم - لزوم و ایجاب قضیه شرطی، کلیت یکی از دو مقدمه، یکی بودن زمان یا حالت صدق شرطی شخصیه و استثناء

گام بعدی در این مسیر، بررسی امکان انتاج قیاس استثنایی در مواردی است که شرطی شخصیه باشد. چنین نظری را می‌توان در آراء شمس‌الدین سمرقندی مشاهده نمود. او در کتاب *شرح قسطاس فی المنطق* شرایط انتاج قیاس استثنایی را بدین صورت بیان می‌کند:

«و در انتاج آن سه شرط وجود دارد:

اول آن که شرطی کلیه باشد و یا اگر شرطی جزئی باشد، استثناء کلیه باشد و یا اگر شرطی شخصیه باشد، حال (زمان یا حالت صدق) استثناء و شرطی یکسان باشد. شرط دوم آن است که شرطی استفاده شده در قیاس استثنایی غیراتفاقی [لزومی] باشد و سومین شرط موجه بودن شرطی است» (سمرقندی، بی‌تا، ص ۳۴۱-۳۴۳).

سمرقندی مثالی برای انتاج از شرطی شخصیه ارائه نکرده است؛ اما می‌توان نمونه‌ای را برای آن در کتاب *تحریر القواعد المنطقیه فی شرح رساله الشمسیه* مشاهده نمود. قطب‌الدین رازی در این کتاب، نظر قبلی خود را که در کتاب *شرح مطالع الانوار* ارائه کرده بود (نظریه سوم)، به نظر سمرقندی تغییر داده است. او مثال زیر را برای انتاج از شرطی شخصیه ارائه می‌دهد:

اگر زید، ظهر به همراه عمرو می‌آمد از او تقدیر می‌کردم اما [او] در آن زمان با عمرو آمد بنابراین از او تقدیر می‌کنم (رازی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۸).

بر اساس این رویکرد قیاس استثنایی، زمانی منتج است که ۱- مقدمه شرطی، لزومی و موجه باشد؛ ۲- حداقل یکی از دو مقدمه کلی باشند و یا شرطی، شخصیه بوده و زمان یا حالت صدق در آن و مقدمه دیگر یکسان باشد.

باید توجه داشت در منطق سینوی تأکید شده است که کلیه، جزئی یا شخصیه بودن قضایا، به زمان و حالت رابطه میان مقدم و تالی و نه کمیت هر یک از آن‌ها وابسته است، بنابراین ممکن است یک قضیه شخصیه، مقدم یا تالی کلیه، جزئی یا شخصیه داشته باشد. بر این اساس، در نظریه حاضر یک مقدمه شرطی شخصیه می‌تواند در کنار یک مقدم کلیه، جزئی یا شخصیه، قیاسی منتج را تشکیل دهد، تنها بدان شرط که زمان یا حالت صدق استثناء و مقدم شرطی شخصیه یکسان باشد. به نظر می‌رسد از میان معاصران کسی این نظر را مبنای معرفی قیاس استثنایی قرار نداده است.<sup>۱</sup>

۱- ملکشاهی در ترجمه و تفسیر *تهذیب المنطق تفتازانی* شرایط انتاج قیاس استثنایی را به صورتی بیان می‌کند که مطابق آن، از شرطی و استثناء جزئی نیز قیاس استثنایی منتج بدست می‌آید. «برای نتیجه دادن قیاس استثنایی شرایط

### نظریه ششم - لزوم قضیه شرطی، کلیت یکی از دو مقدمه

این نظریه با اضافه شدن قاعده نقض تالی به نظریه چهارم شکل می‌گیرد. در دوران معاصر، محمد رضا مظفر مجموعه قواعدی را تحت عنوان نقض المحمول در منطق حملیات مطرح نموده است. همچنان که پیش از این اشاره شد، معادل قاعده نقض المحمول در شرطی‌ها قاعده نقض تالی است. اضافه کردن این قاعده به نظریه چهارم، شرایط انتاج قیاس استثنائی را به شکل جدیدی در می‌آورد. مظفر در کتاب خود شرایط انتاج قیاس استثنائی را به ترتیب زیر بیان می‌کند:

«در این قیاس سه شرط باید رعایت شود:

۱- کلی بودن یکی از دو مقدمه. پس اگر هر دو مقدمه جزئی باشند، قیاس نتیجه نخواهد داد.

۲- شرطی اتفاقیه نباشد.

۳- مقدمه شرطی موجه باشد. معنای این شرط در خصوص متصل ان است که متصل سالبه باید به قضیه موجه‌ای که لازمه آن است، تبدیل شود؛ و در جای آن قرار بگیرد» (مظفر، ۱۴۳۳هـ ص ۳۲۹-۳۳۰).

به این ترتیب قیاس استثنائی با مقدم شرطی متصل سالبه نیز منتج خواهد بود؛ تنها لازم است مقدم شرطی سالبه به موجه‌ای که لازم آن است تبدیل شود. بر این اساس شرایط انتاج قیاس استثنائی در شرطی متصل که مورد بحث ماست - عبارت است از: ۱- کلیه بودن یکی از مقدمه‌ها؛ ۲- اتفاقی نبودن شرطی یا به بیانی لزومی بودن آن.

۴- از میان معاصران به غیر از جناب مظفر، حکاک نیز چنین عقیده‌ای دارد (حکاک، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

### تحلیل شرایط قیاس استثنائی

با تأملی دوباره در مجموعه شرایطی که در بخش قبل ذکر گردید، در می‌یابیم که یک دسته از شرایط کاملاً با بقیه متفاوت است. تحلیل شرطی بدون توجه به مسور بودن آن، مجموعه شرایط اول را کاملاً از بقیه شرایط جدا می‌کند. از این رو لازم است ابتدا این شرایط بررسی گردد و موضع گیری دقیقی در مورد آن اتخاذ شود.

---

زیر لازم است: ۱- آن که قضیه شرطیه در این قیاس موجه باشد؛ ۲- آن که قضیه شرطیه در صورت متصله بودن لزومی، و در صورت منفصله بودن قضیه عنادیه باشد» (ملکشاهی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۶۱).

او هیچ شرحی درباره شرایط انتاج از شرطی جزئی بیان نمی‌کند. او در شرح اشارات و تنبیهات برای انتاج این قیاس، شرایط دیگری را بدون لحاظ مسور در نظر گرفته است.

## اهمال قضیه شرطی

چنان که اشاره شد مجموعه شرایطی که پیش از این مورد بحث قرار گرفت، ابتدا به دو بخش کاملاً مجزا تقسیم می‌شود. در شرایط انتاج قیاس استثنایی با این مسأله روبرو هستیم که سور گزاره شرطی چه نقشی ایفا می‌کند. نوع نگرش به سور شرطی، نقش اساسی را در ماهیت شرایط انتاج قیاس استثنایی بازی می‌کند. پرسش از این مطلب که آیا سور شرطی را می‌توان پذیرفت یا باید آن را به عنوان بخشی زائد در نظر گرفت، پرسشی مهم و اساسی در مطالعه منطق سینوی است.<sup>۱</sup> با این همه آنچه ما در این مجال دنبال می‌کنیم مطالعه و بررسی شرایط انتاج قیاس استثنایی در درون منطق سینوی است. در منطق ابن‌سینا شرطی بدون سور، مهمله نام می‌گیرد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴هـ. ص ۲۶۳). بر این اساس پیش‌فرض بنیادی این سنت یعنی مسور بودن شرطی، پیش‌فرض ما در متن حاضر نیز می‌باشد. به این ترتیب، لازم است تفسیر ما از متن ابن‌سینا و دیگر منطق‌دانان پیرو این سنت، به گونه‌ای باشد که این پیش‌فرض مورد خدشه واقع نشود. بر این اساس لازم است بازنگری دقیق‌تری در متون به جا مانده از بوعلی نماییم.

مبسوط‌ترین متن ابن‌سینا در باب شرطی‌ها، کتاب *شفاء* است. صفحات بسیاری از این کتاب، به مباحث شرطی‌ها و بررسی دقیق قیاس‌های با مقدم شرطی اختصاص دارد. در آخرین متن مهم و مبسوط ابن‌سینا در باب منطق یعنی *الاشارات و التنبيهات*، او به جای طرح قیاس‌های اقتراعی شرطی، خواننده را به کتاب *شفاء* ارجاع می‌دهد (همو، ۱۳۹۲ ص، ۵۷۸) در همه قیاس‌های اقتراعی با دو مقدمه شرطی و یا مقدمه‌ای شرطی و مقدمه‌ای حملی، شرطی‌ها با سور وارد شده‌اند. در این میان تنها قیاس استثنایی است که صرفاً با لفظ "ان" و به صورتی مهمله مورد بحث قرار می‌گیرد. ابن‌سینا در شفا تکرار می‌کند میان شکل‌های مختلف بیان شرطی به صورت مهمله تفاوت وجود دارد و لفظ "ان" بیان ویژه‌ای از شرطی را نمایندگی می‌کند. «اگر گفته شود "اگر (= ان) چنین شود فلان و بهمان می‌شود" و یا "اگر (= اذا) چنین شود فلان و بهمان می‌شود" قضیه مهمله خواهد بود؛ گرچه به نظر می‌رسد که واژه «ان» به شکل خاصی از اهمال دلالت می‌کند. گویا اینطور است که وقتی بگوئیم «اگر (= ان) آب باشد پس ه

۱- برای نمونه موحد در مقاله نظریه قیاس‌های شرطی ابن‌سینا این سورها را نفی می‌کند. نبوی در مقاله منطق زمان و نظریه قیاس اقتراعی شرطی ابن‌سینا بر پایه منطق زمان و فلاحی و دارابی در مقالات سلب لزوم و لزوم سلب در شرطی ساله کلیه و تحلیل سور شرطی لزومی مبتنی بر منطق جدید بر اساس منطق مرتبه دوم و حاجی حسینی در رساله دکتری خود ساختار صوری و معنایی منطق شرطی در دو نظام منطقی قدیم و جدید با ساخت منطق حالت در کنار منطق زمان، به تحلیل سوره‌های شرطی پرداخته‌اند.



ز است» از این شیوه بیان لازم می‌آید که در هر مرتبه‌ای که آب باشد و در هر زمانی که آب باشد ه ز باشد؛ انگار این که ه ز است، از این حیث که آب است، از آب است تبعیت می‌کند و شرط دیگری در کار نیست؛ ولی اگر (= ان) شروط دیگر واژه هر وقت (= کلمه) را که به زودی بیان خواهیم کرد، را ندارد. اما به نظر می‌رسد کلمه "اذا" متضمن چنین معنایی نیست، و کافی است که در یکی از وضعیت‌هایی که آب است، ه ز است از آن تبعیت کند» (ابن سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۶۳). به این ترتیب بنا به تصریح ابن سینا شرطی با لفظ "ان" مهمله است اما معنای این لفظ می‌تواند به کلیت شرطی اشاره کند. بر این اساس می‌توان مدعی شد اگرچه ابن سینا در باب شرایط انتاج قیاس استثنائی از لفظ "کلمه" بهره نبرده است و بر کلیت شرطی تصریح نکرده است لیکن از لفظی استفاده کرده است که با کلیت شرطی در قیاس استثنائی هماهنگی بیشتری دارد. اگرچه نمی‌توان با قاطعیت تمام سخن گفت اما با توجه به آن که ادامه‌دهندگان مهم سنت سینوی در شرطیات، سور را در قیاس استثنائی مهم دانسته‌اند، این بحث نمی‌تواند از چشم نویسندگان متأخر دور مانده باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عدم اشاره و تحلیل سور در شرایط انتاج قیاس‌های استثنائی در بعضی کتب متأخر، تنها می‌تواند به دلایل آموزشی و رعایت اختصار باشد و نه اعتقادی به بازگشت به سنت پیش از ابن سینا.

## موجبه و لزومی بودن شرطی

با پذیرش این نکته که شرطی در قیاس استثنائی باید مسور باشد، مجموعه شرایط قبلی به پنج مورد کاهش می‌یابد. اگر بخواهیم جمع‌بندی دقیقی از این شرایط و شباهت‌ها و اختلافات آن ارائه دهیم. در جدول زیر جمع‌بندی از بقیه نظریه‌ها و شرایط مربوط به آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱- نظریات مختلف درباره شرایط انتاج قیاس استثنائی

ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	معتقدان نوع شرط
مظفر	سمرقندی - قطب رازی (شرح شمسیه)	کاتبی	قطب رازی (شرح مطالع)	طوسی - فخر رازی	
لزومی	لزومی	لزومی	لزومی	لزومی	شرط مشترک مقدمه شرطی
کلیت یکی از دو مقدمه	کلیت یکی از دو مقدمه یا یکی بودن زمان یا حالت صدق در شرطی شخصی و استثناء	کلیت یکی از دو مقدمه	کلیت شرطی	کلیت شرطی	شرط‌های کمی
—	موجبه بودن شرطی	موجبه بودن شرطی	موجبه بودن شرطی	—	شرط‌های کیفی

اشاره به قیاس‌های منتج و عقیم در هر یک از این نظریه‌ها می‌تواند به وضوح بیشتر بحث یاری رساند. در جدول زیر قیاس‌های منتج و عقیم در هر یک از نظریه‌ها به صورت جداگانه نشان داده شده است.

جدول ۲- قیاس‌های منتج و عقیم بر اساس نظریات مختلف

نظریات مختلف					مقدمه استثناء شده	مقدمه شرطی (لزومی)
ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم		
منتج	منتج	منتج	منتج	منتج	موجبه کلیه	موجبه کلیه
منتج	منتج	منتج	منتج	منتج	موجبه جزئیه	
منتج	منتج	منتج	منتج	منتج	سالبه کلیه	
منتج	منتج	منتج	منتج	منتج	سالبه جزئیه	
منتج	منتج	منتج	منتج	منتج	شخصیه	
منتج	منتج	منتج	عقیم	عقیم	موجبه کلیه	موجبه جزئیه
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	موجبه جزئیه	
منتج	منتج	منتج	عقیم	عقیم	سالبه کلیه	
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	سالبه جزئیه	
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	شخصیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	منتج	موجبه کلیه	سالبه کلیه
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	منتج	موجبه جزئیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	منتج	سالبه کلیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	منتج	سالبه جزئیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	منتج	شخصیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	موجبه کلیه	سالبه جزئیه
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	موجبه جزئیه	
منتج	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	سالبه کلیه	
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	سالبه جزئیه	
عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	عقیم	شخصیه	
عقیم	منتج	عقیم	عقیم	عقیم	موجبه کلیه	شخصیه
عقیم	منتج	عقیم	عقیم	عقیم	موجبه جزئیه	
عقیم	منتج	عقیم	عقیم	عقیم	سالبه کلیه	
عقیم	منتج	عقیم	عقیم	عقیم	سالبه جزئیه	
عقیم	منتج	عقیم	عقیم	عقیم	شخصیه	

بر پایه جداول بالا، منتج بودن قیاس استثنائی با مقدمه شرطی لزومی موجب کلیه (به شیوه وضع مقدم یا رفع تالی)، مورد توافق همه منطق دانان است. موارد اختلاف را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

- ۱- منتج بودن قیاس استثنائی با مقدمه شرطی سالبه
  - ۲- منتج بودن قیاس استثنائی با مقدمه شرطی جزئی و استثناء کلیه
  - ۳- منتج بودن قیاس استثنائی با مقدمه شرطی شخصیه
- در هر یک از مجموعه شرایط ذکر شده یک یا دو مورد از موارد بالا باعث اختلاف با بقیه نظرات گردیده است.

در ادامه ابتدا به بررسی امکان منتج بودن قیاس استثنائی با مقدمه شرطی سالبه می‌پردازیم و سپس به قیاس استثنائی با مقدم شرطی جزئی و استثناء کلیه خواهیم پرداخت و سرانجام درباره منتج بودن آن با مقدمه شرطی شخصیه بحث می‌کنیم.

### مقدمه شرطی سالبه در قیاس استثنائی

انتاج قیاس استثنائی از یک مقدمه شرطی سالبه، بر بحث مهم و دامنه‌داری در منطق سینوی مبتنی است. بر پایه نظر ابن‌سینا در شرطی‌ها، میان شرطی موجب و سالبه تلازم برقرار است. به این ترتیب که با حفظ مقدم و تبدیل تالی به نقیض آن، شرطی با حفظ کمیت از حالت سالبه به موجب و بالعکس از حالت موجب به سالبه تبدیل می‌شود. طرح این مدعای ابن‌سینا در میان منطق دانان پس از او بحث‌های فراوانی ایجاد کرده است. برای نمونه خواجه نصیرالدین طوسی (طوسی، ۱۳۶۱، ص ۲۷)، و فخرالدین رازی (رازی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۵) به تبع ابن‌سینا در قیاس‌های شرطی از این مدعا بهره برده‌اند اما بعضی مانند خونجی (خونجی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸) و علامه حلی (حلی، ۱۳۹۱، ص ۸۷) به نقد آن پرداخته‌اند. طرح این مسأله پرسش دیگری را در منطق سینوی درباره ماهیت شرطی سالبه در شرطی‌ها پدید آورد؛ به این ترتیب که آیا می‌توان دو برداشت متفاوت از سالبه در شرطی‌ها داشت؟ بر اساس یک برداشت سلب در شرطی "سلب لزوم" است یعنی سلب، در شرطی لزومی مشخص می‌کند میان مقدم و تالی رابطه لزومی برقرار نیست. بر اساس برداشت دیگر، تفسیر صحیح از سلب، "لزوم سلب" است یعنی سالبه مشخص می‌کند در شرطی، مقدم با نقیض تالی رابطه لزومی دارد.

«فرق است میان سلب لزوم و لزوم سلب و میان سلب اتفاق و اتفاق سلب چنانکه بعد از این مستوفی‌تر از این بیان کنیم و در سلب لزوم شرط آن بود که در هر وقت و حال که مقدم فرض کنیم معرا از مقارنت هر چه ملزوم تالی بود تالی از مجرد او لازم نیاید ... و اما سالبه کلی بلزوم سلب چنان

بود که در هیچ وقت و حال وضع مقدم مجرد از ملزوم تالی با وضع تالی صادق نبود یعنی وضع مقدم مقارن علت عدم تالی بود پس وضع مقدم اقتضاء امتناع صحت تالی کند در همه احوال و اوقات» (طوسی، ۱۳۶۱، ص ۹۶).

بر این اساس اگر سالبه به صورت "لزوم سلب" تفسیر شود، هر ایرادی که به تلازم میان سالبه و موجه وارد شده است، مرتفع می‌گردد؛ زیرا این تلازم بخشی از تعریف سالبه‌ها خواهد بود؛ اما مشکلات دیگری در این مسیر پدید می‌آید. برای نمونه از نظرخواجه نصیرالدین طوسی که سلب را به صورت "لزوم سلب" می‌پذیرد، تناقض میان شرطی‌های لزومی برقرار نیست. با توجه به مطالب ذکر شده داوری درباره انتاج قیاس استثنائی از مقدمه شرطی سالبه، نیازمند بحث درباره ماهیت شرطی سالبه، تبعات تلازم میان شرطی سالبه و شرطی موجه به صورت ذکر شده، و داوری در این باب است. از این رو این بخش از بحث را می‌توان به عنوان مسأله‌ای گشوده در نظر گرفت که باید در مقاله دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

### انتاج از شرطی جزئی در قیاس استثنائی

پیش از این، موارد اختلاف درباره قیاس‌های استثنائی منتج را به سه دسته تقسیم کردیم. یک دسته از آن‌ها مربوط به امکان انتاج قیاس استثنائی از شرطی جزئی است اکنون در پی آن هستیم دریابیم آیا می‌توان از یک شرطی جزئی در کنار استثناء کلیه، قیاسی منتج تشکیل داد؟ اگر شرح نظرات بو علی از سور شرطی‌ها را در نظر بگیریم ماهیت این سور با سور موجود در حملی‌ها کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. بیان بوعلی در باب سور حملی به وضوح به افراد موضوع و محمول اشاره دارد:

«بدان که اگر می‌گوییم هر ج ب است چنین معنایی ندارد که کلیت ج یا ج کلی ب است، بلکه بدان معناست که هر چیزی که در عالم واقع یا مفروضات ذهنی با ویژگی ج توصیف می‌شود [ویژگی ب را دارا است]، چه این انصاف به صورت دائمی باشد و چه غیر دائمی، به هرگونه‌ای که اتفاق بیافتد» (ابن سینا، ۱۳۹۲، ص ۳۵۵).

این در حالی است که در باب سور شرطی بیانی کاملاً متفاوت دارد. سور شرطی به همه اوضاع و شرایط (زمانی یا حالتی) اشاره دارد که در آن‌ها رابطه مقدم و تالی برقرار است.

۱- نگارندگان، مقاله دیگری درین باب تألیف نموده‌اند که در آن این بحث به صورت گسترده و دقیق بررسی می‌شود، لیکن در متون حاضر می‌توان به (فلاحی، ۱۳۸۸) مراجعه نمود.

«اگر اتصال (بین مقدم و تالی) در هر شرایطی و موقعیتی باشد که مقدم دارد، در این صورت شرطی متصله کلی است» (ابن سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۶۲).

بر این اساس تفاوتی آشکار میان این دو نوع سور وجود دارد. بنابراین چگونگی قرارگیری این دو سور در کنار هم و نحوه انتاج از آن‌ها یکی از نکات مهم و قابل توجه در قیاس‌های استثنائی است. اگر بپذیریم (همچنان که در بعضی از شرایط انتاج قیاس استثنائی ذکر شده است) برای انتاج قیاس به صورت وضع مقدم، کافی است شرطی لزومی و یکی از دو مقدمه کلی باشد، در این صورت باید بپذیریم اگر مقدمه شرطی ما جزئیه لزومی و مقدمه حملی ما کلیه باشد، می‌توان با وضع مقدم به صدق تالی دست یافت. به بیان دقیق‌تر اگر در شرطی جزئیه مقدم، کلیه باشد، امکان انتاج قیاس استثنائی با قاعده وضع مقدم وجود دارد. با کمی تامل می‌توان دریافت این مدعا استثنائاتی دارد و همیشه صادق نیست.

سور در قضایای حملی به افراد موضوع و این که چه تعداد (همه یا بخشی) از افراد موضوع دارای ویژگی محمول هستند (و یا نیستند) اشاره دارد. به این ترتیب سور قضایای حملی به زمان صدق این قضایا اشاره ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد کلیه بودن یک گزاره مطلقه به معنای دائمه بودن و صدق آن در هر زمانی نیست. می‌توان در گزاره‌های خارجی (که در حال حاضر بخشی از جملات پذیرفته شده در منطق سینوی هستند) نمونه‌های فراوانی یافت که علی‌رغم کلی بودن، دائمه نیستند. بنابراین اگر قضیه‌ای حملی، کلیه باشد ممکن است به لحاظ زمانی تنها به بعضی زمان‌ها یا حتی لحظه‌ای خاص اشاره کند. اکنون فرض کنید این قضیه، مقدم یک شرطی باشد و شرطی نیز جزئیه باشد. جزئیه بودن شرطی بدان معناست که رابطه میان مقدم و تالی در بعضی از زمان‌ها و احوال برقرار است؛ اما این که محدوده زمانی صدق شرطی متفاوت از محدوده زمانی صدق قضیه حملی کلی مورد بحث (که مقدم همان شرطی است) باشد نیز محتمل است. بنابراین ممکن است شرطی جزئیه در کنار مقدم کلیه منتج نباشد. برای غلبه بر این مشکل نیازمند ارائه تفسیر مناسب‌تری از کلی بودن استثناء هستیم.

قطب رازی در شرح رساله الشمسیه تفسیر دقیق‌تری از کلی بودن استثناء را، در شرایط انتاج یک قیاس استثنائی بیان می‌نماید: منظور از کلیه بودن استثناء تحقق آن نه تنها در همه زمان‌ها، که در همه اوضاعی است که با وضعیت مقدم منافاتی نداشته باشند (رازی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۸).

بر این اساس و از منظر قطب رازی منظور از کلیت استثناء، کلیت زمانی - حالتی آن است؛<sup>۱</sup> اما

۱- در میان معاصران سید الرائد الحیدری در حاشیه‌ای که بر المنطق مظفر با عنوان المقرر نوشته است، به این بیان نزدیک شده است (حیدری، ۱۴۲۲ هـ ص ۴۲۹).

این بیان نیز خالی از اشکال نیست.

اول - در دوره حاضر و بر اساس نحوه معرفی معاصران از جمله حملی، تشخیص شرایط ذکر شده (یعنی کلیت زمانی - حالتی)، در جمله حملی کلیه، تنها بر اساس معنی آن بدست می‌آید و نه صورت جمله. بنابراین شرط مورد بحث به شرایط مادی و نه صورتی جمله اشاره دارد. اما باید توجه داشت که این ایراد به نظرگاه بعضی از منطق دانان سینوی وارد نیست. این بحث مرتبط با نظر این منطق دانان درباره تقسیم قضا با به خارجی، حقیقه، ذهنیه است. در پایان این بخش به این نظرات اشاره خواهیم نمود. به هر روی حتی اگر ایراد اول به رویکرد منطق دانی وارد نباشد، می‌توان ایراد دیگری را مطرح نمود.

دوم - برای قبول این شرط انتاج در قیاس استثنایی، نیازمند تغییر در قواعد وضع مقدم و رفع تالی هستیم. در غیر این صورت با مثال‌های نقض روبرو خواهیم شد. برای اثبات این مدعا ابتدا لازم است با دقت بیشتری به سور شرطی توجه کنیم. شرحی که ابن سینا از شرطی کلیه می‌دهد معنای حالت را نزد او روشن می‌کند:

قضیه شرطیه کلیه است اگر تالی نه تنها در همه زمان‌ها که در همه احوال از مقدم تبعیت کند، اما چه احوالی؟ احوالی که فرض مقدم در آن لازم باشد و یا امکان فرض مقدم در آن باشد و از آن تبعیت کند و آن را همراهی کند، خواه به علت محمول‌هایی که بر مقدم حمل می‌شوند (اگر مقدم حملی باشد)، یا به علت همراه شدن با مقدمات دیگر، اگر مقدم حملی نباشد، مقدماتی که ممکن باشد که همراه با [مقدم] صادق شوند و با آن محال نباشند، حتی اگر خودشان محال باشند، یا بنا به فرض، مقدمه‌ای صادق شمرده شود که مقدم آن شرطی، مستلزم آن است و آن را مجاز می‌داند اگر چه خود آن مقدمه فی نفسه محال باشد (ابن سینا، ۱۴۰۴هـ، ص ۲۶۵).

این بیان به صورت‌های متفاوت در سراسر تاریخ منطق سینوی تکرار می‌شود. برای نمونه، مثالی که خواجه طوسی در شرح همین مطلب آورده است، می‌تواند موجب درک بهتری از نظر ابن سینا شود. «مثلاً در این قضیه که اگر انسان کاتب است دستش متحرک است، گوییم: اگر انسان کاتب است و قائم، یا اگر انسان کاتب است و قاعد، یا اگر انسان کاتب است و مستلقی، یا اگر انسان کاتب است و نائم، دستش متحرک است. و همچنین در وضع قضایای دیگر با مقدم گوییم: اگر انسان کاتب است و شمس طالع، یا اگر انسان کاتب است و کواکب ظاهر، دستش متحرک است» (طوسی، ۱۳۶۱، ص ۹۴).

حالات در سور شرطی جزئی نیز، به شیوه بالا قابل بیان است. به بیانی شرطی جزئی بر پایه شرح شرطی کلیه درک می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴هـ، ص ۲۷۵). بر این اساس و با شرحی که شیخ‌الرئیس از احوال در سور شرطی ارائه می‌دهد، صرف سازگاری با مقدم می‌تواند سازنده یک حالت باشد. برای

نمونه جمله "هر حیوانی سیاه است" را در نظر بگیرید که جمله‌ای محال نیست و با جمله "هر انسانی حیوان است" نیز سازگار است. از این دو جمله، به گزاره "هر انسانی سیاه است" دست می‌یابیم. به بیانی قضیه شرطی "گاهی اگر هر انسانی حیوان است آنگاه هر انسانی سیاه است" قضیه‌ای صادق است. آن را "الف" می‌نامیم. سور "گاهی" در جمله شرطی "الف" نه به یک زمان که به یک حالت خاص اشاره می‌کند.

مطابق قاعده وضع مقدم از استثناء عین مقدم، عین تالی حاصل می‌شود. همه منطق‌دانان سینوی معتقد هستند در وضعیتی که شرایط انتاج برقرار است، می‌توان از این قاعده بهره برد. جمله شرطی "الف" در کنار استثناء مقدم آن، همه شرایطی را که برای انتاج قیاس استثنائی از شرطی جزئی لازم است، دارا می‌باشد؛ چرا که شرطی لزومی است و یکی از دو مقدمه یعنی جمله "هر انسانی حیوان است" کلی و صدق آن در همه زمان‌ها و احوال برقرار است. بنابراین قیاس زیر بر طبق نظر معتقدان به این شرایط باید منتج باشد و نتیجه آن مطابق قاعده وضع مقدم باید عین تالی باشد.

گاهی اگر هر انسانی حیوان است، هر انسانی سیاه است

هر انسانی حیوان است.

هر انسانی سیاه است.

نتیجه آشکارا کاذب است. در حقیقت بیان صحیح نتیجه، جمله‌ای شبیه این است که "حالاتی وجود دارد که در آن هر انسانی سیاه است" که صورتی متفاوت با قضیه حاصل شده دارد. به بیان دیگر تنها زمانی می‌توانیم شرط انتاج از جزئی را به عنوان شرطی عام و فراگیر بپذیریم که قاعده وضع مقدم را تغییر داده باشیم. یعنی به جای آن که عین تالی از صدق عین مقدم بدست بیاید، ترکیبی از تالی و شرطی که بر پایه سور شرطی شکل گرفته است، به عنوان نتیجه بیان شود. در پایان، ذکر نکته‌ای تاریخی برای تحکیم مطلبی که در این بخش ارائه شده است، لازم به نظر می‌رسد. پیش از این اشاره نمودیم از میان دو ایراد وارد شده به قیاس استثنائی با شرطی جزئی، اولین ایراد (یعنی ابتناء شرایط انتاج در این حالت، به ماده و نه صورت قضایا) به بعضی از منطق‌دانان سینوی وارد نیست. این مطلب مرتبط با بحث مهم قضایای حقیقیه، خارجیه و ذهنیه است. در بخش مهمی از تاریخ منطق سینوی تنها قضیه حقیقیه مطرح بوده است.<sup>۱</sup> ابن‌سینا در کتاب شفا در بحث از قضایای مطلقه، تفسیر خارجیه از این قضایا را رد می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۸-۳۱). پس از او نیز تا

۱- تاریخ کامل این بحث را می‌توان در کتاب *قضایای حقیقیه، خارجیه و ذهنیه* دید. همچنین شرح مختصرتری نیز در مقاله *تطور تاریخی قضایای ثلاث* یافت می‌شود.

مدت‌ها خبری از قضایای خارجی، ذهنیه و حقیقه در منطق سینوی نبوده است. محققان معتقدند اولین بار فخرالدین رازی قضایا را به حقیقه و خارجی تقسیم کرده است (محمد کردی، ۱۳۸۱، ص ۳۲). پس از فخر رازی نیز بعضی منطق‌دانان به این تقسیم‌بندی اعتنا نکردند. برای نمونه قطب‌الدین شیرازی در کتاب دره التاج این بحث را از خرافات متأخرین قلمداد کرده است (قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۶۵، ص ۳۶۹/۳۷۰). از سوی دیگر تفسیر قضیه حقیقه نزد بعضی منطق‌دانان به گونه‌ای است که کلیت آن به معنای صدق در هر زمان و حالتی است. برای نمونه تفسیر فخر رازی از جمله حقیقه نزد این سینا به صورت زیر در منطق جدید صورت‌بندی شده است (فلاحی، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

$$\square \forall x(Ax \supset Bx)$$

این صورت‌بندی دلالت بر صدق جمله کلیه در هر زمان و حالتی دارد. با پذیرش مطالب بالا، پیش‌فرض بعضی از منطق‌دانان سینوی آن است که قضایا تنها به صورت حقیقه قابل قبول هستند کلیه بودن هر جمله حقیقه به معنی صدق آن در همه زمان‌ها و حالت‌ها است. بر پایه این دو پیش‌فرض درباره جملات، از میان دو ایرادی که ما بر انتاج قیاس‌های استثنائی از شرطی جزئی‌گرفتم، اولی به رای منطق‌دانانی که قضایا را تنها به صورت حقیقه می‌دیدند وارد نیست، اما ایراد دوم، همچنان به جای خود باقی خواهد بود. از این رو همچنان می‌توان مدعی بود که نمی‌توان از شرطی جزئی‌گرفتم در قیاس استثنائی بهره برد.

### انتاج از شرطی شخصیه در قیاس استثنائی

بر طبق این شرایط انتاج، اگر استثنا (اعم از مقدم یا نقیض تالی) دقیقاً در همان زمان و حالتی که شرطی صادق است، صادق باشد، قیاس استثنائی با مقدم شرطی شخصیه لزومی، منتج خواهد بود. برخلاف انتاج از شرطی جزئی‌گرفتم، می‌توان انتاج قیاس استثنائی با مقدم شرطی شخصیه را بر اساس شرایط ذکر شده پذیرفت. با این همه پاسخ به یک پرسش در این‌جا ضروری است. چرا اکثر منطق‌دانان سینوی به انتاج از شرطی شخصیه در قیاس استثنائی اشاره‌ای ندارند؟

در پاسخ باید گفت معمولاً منطق‌دانان سینوی، قضایای شخصیه را وارد بحث‌های منطقی نمی‌کنند و نمونه‌های بهره‌گیری از قضایای شخصیه در کتب آن‌ها اندک است. از طرفی انتاج قیاس استثنائی از شرطی شخصیه، پس از طرح توسط سمرقندی و قطب رازی، مورد نقد منطق‌دانان دیگر قرار نگرفته است و همگی بدون توجه از کنار آن گذشته‌اند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عدم انتاج از شرطی شخصیه، به سبب عدم اهمیت قضایای شخصیه در منطق سینوی و نه عدم موافقت با امکان انتاج قیاس استثنائی با مقدم شرطی شخصیه است.



بنابراین گرچه از نظر برخی منطق‌دانان این نکته کم اهمیت است، اما قیاس استثنائی با مقدم شرطی شخصیه لزومی می‌تواند منتج باشد.

### نتیجه‌گیری

در مورد شرایط انتاج قیاس استثنائی، شش دسته از نظریات معرفی و شباهت‌ها و اختلافات آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این بررسی‌ها که بر مبنای تحلیل منطقی و رجوع به مثال‌هایی از زبان طبیعی صورت گرفته است نشان می‌دهد:

- ۱- شرطی باید در این قیاس محصوره باشد. برای بررسی شرایط انتاج قیاس استثنائی، مشخص بودن سور شرطی لازم است.
- ۲- شرطی باید کلی لزومی باشد و شرطی جزئی، حتی در کنار استثناء کلی نتیجه‌ای بدست نمی‌دهد.
- ۳- انتاج قیاس استثنائی از شرطی سالبه بر پایه تلازم میان قضایای شرطی سالبه و موجبه و این تلازم خود مبتنی بر بحث سلب لزوم و لزوم سلب است. از این رو تعیین موضع درباره آن منوط به تعیین موضع درباره تفسیر سلب است.
- ۴- قیاس استثنائی با مقدم شرطی شخصیه، در صورت یکی بودن زمان یا حالت صدق شرطی و استثناء منتج است.

## منابع و مأخذ

- ابن سهلان ساوی، زین‌الدین عمر (۱۳۹۰)، *البصائر النصیریة*، تحقیق حسن المراغی (غفار پور)، تهران، مؤسسه الصادق الطباعه و النشر
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۰)، *الاجوبه عن المسائل الغریبه العشرینیة*، *منطق و مباحث الفاظ*، به کوشش مهدی محقق و توشی هیکو ایزتسو، تهران، دانشگاه تهران
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *الاشارات و التنبیہات همراه با شرح نصیرالدین طوسی، فخرالدین رازی، قطب‌الدین رازی*، تحقیق و تصحیح وسام الخواطی، تهران، مطبوعات دینی
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴هـ)، *الشفاء المنطقی (قیاس)*، قم، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی
- اخوان الصفا (۱۴۱۲هـ)، *رسائل اخوان الصفاء و خالان الوفاء*، بیروت، الدار الاسلامیه
- بهمنیار بن مرزبان (۱۳۷۵)، *التحصیل*، تصحیح و تعلیق مرتضی مطهری، تهران، دانشگاه تهران
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۳۹۲)، *تهذیب المنطق همراه با شرح فارسی عبدالرزاق لاهیجی*، مقدمه و تصحیح مرتضی حاجی حسینی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه
- حاجی حسینی، مرتضی (۱۳۷۵)، *ساختار صوری و معنایی منطق شرطی در دو نظام منطقی قدیم و جدید*، پایان‌نامه مقطع دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- حکاک، سید محمد (۱۳۸۵)، *منطق: معیار تفکر*، تهران، سمت
- حلّی، جمال‌الدین حسن بن یوسف (۱۳۹۱)، *الجواهر النضید*، تحقیق و تعلیق محسن بیدارفر، قم، بیدار
- حیدری، سید رائد (۱۴۳۲هـ)، *المقرر فی شرح منطق المظفر*، قم، ذوی القربی
- خوانساری، محمد (۱۳۹۰)، *منطق صوری*، تهران، نشر دیدار
- خونجی، افضل‌الدین (۱۳۸۹)، *کشف الاسرار عن غوامض الافکار*، مقدمه و تحقیق خالد الرویبه، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه
- دارابی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، «*تحلیل سور شرطی لزومی مبتنی بر منطق جدید*»، منطق

- پژوهی، سال اول، بهار و تابستان، شماره اول
- رازی، فخرالدین (۱۳۸۱)، **منطق الملخص**، مقدمه و تحقیق و تعلیق احد فرامرز قراملکی و آدینه صغری نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام
- رازی، قطب‌الدین (۱۳۸۴)، **تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه**، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، **شرح مطالع الانوار فی المنطق**، قم، انتشارات نجفی
- سیزواری، هادی (۱۳۸۶)، **اللئالی المنتظمه** (شرح المنظومه فی المنطق)، تحقیق و تعلیق محسن بیدارفر، قم، بیدار
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۹۰)، **معیار دانش**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- سمرقندی، شمس‌الدین محمد (بی‌تا)، **شرح قسطاس فی المنطق**، نسخه خطی به شماره ۳۸۵۹، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- شهایی، محمود (۱۳۵۳)، **رهبر خود**، تهران، کتابخانه خیام
- شیرازی، قطب‌الدین (۱۳۶۵)، **درة التاج (بخش نخستین)**، تهران، حکمت
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰)، **اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه**، **منطق نوین**، تهران، آگاه
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۱)، **اساس الاقتباس**، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران
- فارابی، ابو نصر (۱۴۰۸هـ)، **المنطقیات فارابی**، جلد اول، تحقیق و مقدمه محمد تقی دانش‌پژوه، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی
- فرامرز قراملکی، احد، عبادی، احمد (۱۳۸۹)، «**تطور تاریخی مواد ثلاث**»، فلسفه و کلام اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، سال ۴۳، شماره ۱، بهار و تابستان
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **منطق (۲)**، تهران، دانشگاه پیام نور
- فلاحی، اسدالله (۱۳۸۸)، «**سلب لزوم و لزوم سلب در شرطی سالبه کلیه**»، معرفت فلسفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۲۵
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، «**صورت‌بندی جدیدی از قضایای حقیقه و خارجیّه**»، آینه معرفت، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱، تابستان
- کردی، محمد (۱۳۸۱)، **قضایای حقیقه، خارجیّه و ذهنیه**، قم، ناشر مولف

- مشکوه الدینی، عبدالمحسن (۱۳۶۰)، **منطق نوین**، تهران، آگاه
- مظفر، محمد رضا (۱۴۳۳هـ)، **المنطق**، قم، مؤسسه نشر اسلامی
- ملکشاهی، حسن (۱۳۶۷ف)، **ترجمه و شرح اشارات و تنبیها**، جلد دوم (منطق)، تهران، سروش
- ملکشاهی، حسن (۱۳۶۷ب)، **ترجمه و تفسیر تهذیب المنطق تفتازانی**، انتشارات تهران، دانشگاه تهران
- موحد، ضیاء (۱۳۸۲)، **نظریه قیاس های شرطی ابن سینا، از ارسطو تا گودل**، تهران، هرمس
- نبوی، لطف الله (۱۳۸۱)، **منطق زمان و نظریه قیاس اقترازی شرطی ابن سینا، منطق سینوی به روایت نیکلاس رشر**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

